

بطور کلی باید گفت که قوای ثلاثه مجریه و مقننه و قضائیه با ر نظر گرفتن فواید مجازات، وظایف مختلف دارند. قوه مقننه بیشتر باید در مقام تربیت و موجب عبرت شدن مجازات بر آید. قوه قضائیه باید بیشتر درجه تقصیر و خطرناکی مجرم را معین نماید، قوه مجریه باید در مقام اصلاح مجرم بر آید.

تقسیم بندی مجازاتها

مجازاتهای جنایی و جنحه و خلافی - با اینکه مجازات نتیجه جرم محسوب می شود معذالك بكار تعیین نوع جرم می رود بنا بر این هر وقت قانون، کیفر جرمی را یکی از مجازات های زیر (اعدام یا حبس مؤبد یا اعمال شاقه یا حبس موقت یا اعمال شاقه و یا حبس مجرد یا تبعید یا محرومیت از کلیه حقوق اجتماعی) قرار دهد معلوم می شود که آن جرم جنایت است.

چنانچه قانون، کیفر جرمی را یکی از مجازاتهای زیر (حبس تأدیبی بیش از یکماه یا اقامت اجباری در نقطه می و یا نقاط معین یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین و یا محرومیت از بعض حقوق اجتماعی و یا غرامت در صورتیکه مجازات اصلی باشد) قرار دهد معلوم می شود که آن جرم جنحه بزرگ است.

چنانچه قانون، کیفر جرمی را یکی از مجازاتهای زیر (حبس تأدیبی بیش از یک هفته تا یکماه یا غرامت از پنجمتومان و یک قران الی پنجاه تومان) قرار دهد معلوم می شود که آن جرم جنحه کوچک است.

چنانچه قانون، کیفر جرمی را یکی از مجازاتهای زیر (حبس تأدیبی از ۲۴ ساعت تا یک هفته و یا غرامت تا پنجمتومان) قرار دهد معلوم می شود که آن جرم خلاف است.

ضمماً باید متوجه بود که گاهی محکمه طبق ماده (۴۴) قانون مجازات عمومی ممکن است حبس موقت یا اعمال شاقه را به حبس تأدیبی تبدیل نماید در این مورد جنایت ارتکابی جنحه محسوب نشده بلکه ثابت است که مجازات آن در اثر مراعات کیفیات مخففه به حبس تأدیبی تعیین شده است.

برعکس در مورد جنحه چون طبق ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی هیچوقت

نمیشود که مجازات حبس از هشت روز کمتر باشد و حبس خلاف هم از يك هفته بیشتر نیست هیچوقت اتفاق نمی افتد ~~که~~ مجازات جنبه در اثر تخفیف تبدیل به مجازات خلافی شود.

مجازات های اصلی و تبعی و تکمیلی

مجازاتهای اصلی عبارت از مجازاتهایی هستند که آلت مستقیم کیفر دادن محسوب شده و بدون درج آن در حکم یا قرار هرگز مجازات متوجه مجرم نمیشود. مجازات های تبعی عبارت از مجازاتهایی هستند که بین مجازات اصلی را تقویت کرده و خود بخود بدون اینکه در حکم یا قرار قید شود متوجه مجرم می گردد (مانند محرومیت از حقوق اجتماعی).

مجازاتهای تکمیل عبارت از مجازاتهایی هستند که بین مجازات اصلی و تبعی واقع شده باین معنی که مانند مجازات اصلی باید در حکم یا قرار قضی ذکر گردد و از طرفی مانند مجازات تبعی خاصیت آن تقویت اثر مجازاتهای اصلی می باشند (مثل محرومیت از حقوق اجتماعی که در بعضی موارد باید دادگاه صریحاً مدت آن را در حکم خود معین نماید).

مجازاتهای عمومی و سیاسی

با اینکه قانون مجازات عمومی ایران جرائم سیاسی را از غیر سیاسی پش بینی نموده در مجازات آنها فرقی قائل نشده است فقط در طرز رسیدگی و احکام مربوط به تکرار جرم و عفو و اعاده حیثیت فرقهایی بین جرائم سیاسی و غیر سیاسی قائل شده که در کتاب اول مشروحاً ذکر گردید.

مجازاتهای دائم و موقت

مجازاتهایی که ممکن است مورد مقیاس زمانی واقع شوند عبارتند از مجازاتهایی که موجب محرومیت از آزادی و حقوق اجتماعی می شود ممکن است مجازات جنایت حبس دائم باشد در این صورت محرومیت از حقوق اجتماعی که يك مجازات تبعی است تبعاً دائم خواهد بود بنابراین غیر از موارد استثنائی فقط حبس دائم و محرومیت از حقوق اجتماعی در صورتیکه متبع بر حبس دائم باشد دائمی هستند و بقیه مجازاتها جنبه

موقت دارند .

مجازات ترهیبی و ترذیلی

بعضی از قوانین جزائی مجازاتها را نیز بدو تقسیم ترهیبی و ترذیلی تقسیم نموده اند . مجازات ترهیبی مجازاتی است که مربوط به آزادی و بدن شخص میشود و چنانچه ننگ و بی شرافتی هم در برداشته باشد از راه تابع بودن مجازات اصلی است . مجازات ترذیلی مجازاتی است که مستقیماً به شرافت و حیثیات مجرم آسیب ولطمه وارد می آورد .

تمام مجازاتهای جنائی ترهیبی و ترذیلی هستند فقط دو مجازات تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی فقط ترذیلی میباشد این تقسیم که مبتنی بر موازین عقلی و منطقی نیست امروز از اب قوانین جدیدالوضع حذف شده است .
مجازات بدنی - مجازات اعدام

راجع بمشروعیت مجازات اعدام دو عقیده مختلف وجود دارد یکدسته از علمای جزائی اظهار عقیده نموده اند که مجازات اعدام برخلاف اخلاق بوده بعلاوه جامعه هم از آن منتفع نمیشود برعکس دسته دیگر از علماء اظهار عقیده بر لزوم آن نموده اند مخالفین مجازات اعدام بنحو زیر استدلال مینمایند .

۱- مجازات اعدام فاقد یکی از شرایط مجازات یعنی غیر قابل جبران بودن آن میباشد باین معنی که اگر بعداً معلوم شود دادرس در صادر کردن حکم اعدام مرتکب خبط و خطا شده چون مجرم در حیات نیست نمیتوان این اشتباه دادرس را جبران نمود، در مقابل این استدلال دسته مخالف چنین پاسخ داده اند که انسان ذاتاً در معرض ارتکاب اشتباه است (مثل اطباء) و برای بک اشتباه احتمالی نمیتوان اظهار عقیده بر عدم لزوم مجازات اعدام نمود .

۲- مجازات اعدام فاقد درجات میباشد و از این حیث قاضی قادر نیست مجازاتی که متناسب با روح و درجه شقاوت متهم باشد معین نماید، دسته مخالف در مقابل این ایراد چنین پاسخ داده اند که حبس ابد هم غیر قابل درجه بندی است و چون حبس ابد مورد قبول همه است باید مجازات اعدام را هم قبول نمود .

موضوع مشروعیت مجازات اعدام

برای اینکه مجازات اعدام مشروع تلقی شود باید دو خاصیت زیر را داشته باشد اول مطابق بودن با عدل و نصف دوم مفید بودن بحال جامعه نسبت بشرط اول چون خیلی از موارد دلخراش پیش می آید که هر قلب رئوفی نمیتواند خودداری از لزوم مجازات اعدام بنماید بنابراین میتوان اظهار عقیده نمود که مجازات اعدام در این قبیل موارد برخلاف عدالت نمیباشد و چون جامعه مسئول انتظامات عمومی است باید باو حق داد که در مواقع ضروری سلب حیات از اشخاص بنماید.

نسبت بشرط دوم نمیتوان بطور مطلق اظهار عقیده نمود زیرا مفید افتادن مجازات اعدام مربوط بکیفیات اخلاقی و اقلیمی يك جامعه است چه بسا مجازات اعدام که در يك جامعه حسن اثر میبخشد در جامعه دیگر ضرر بمصالح اجتماعی می شود از همین جهت نسبت بقبول و عدم قبول مجازات اعدام، ممالک مختلفه را همی میخلفی پیموده اند بعضی از ممالک از قبیل يك قسمت از سوئیس - ایتالیا - باریک - اطریش - سوئد مجازات اعدام را در قوانین جزائی خود یا اساساً قبول ننموده و یا بعداً آنرا حذف نموده اند برعکس در بعضی ممالک دیگر یا در ابتداء آنرا قبول نموده و یا در صورتی هم که در مقام حذف آن برآمده اند مجبور شده اند دو مرتبه مستقر نمایند. مثل فرانسه.

برای اینکه مجازات اعدام حسن اثر بخشد مقنن بایستی حتی المقدور موارد آنرا احصاء دهد بموقعی که جان افراد مستقیماً یا غیر مستقیم در معرض مخاطره واقع می شود بنا بر این در مورد شروع بارتکاب جرم و یا شرکت و یا تکرار جرم (غیر از اعدام) نباید مقنن مجازات اعدام معین نماید.

مجازاتهای سالب آزادی

مجازاتهای سالب آزادی همیشه واجد جنبه عمومی نبوده بلکه ممکنست بعنوان يك وسیله تأمینی وضع شود، توقیف های مربوطه بمدیونین و همچنین تحت نظر گرفتن بچه ها و یا دیوانه ها وسیله تأمین محسوب می شوند، احضار متهم از طرف بازپرس و همچنین قرار توقیف موقت بکقسم وسیله تأمین محسوب می شود.